

قدرت جهان این اصول را نادیده می‌گیرد، چه کسی می‌تواند جلوی فروپاشی را بگیرد؟

چندجانبه‌گرایی در محاصره؛ آیا امیدی هست؟

سیاست‌های «اول آمریکا» حالا مثل دومینویی عمل می‌کند که کشورهای دیگر را هم به سمت ملی‌گرایی سوق می‌دهد.

وقتی آمریکا از توافقات بین‌المللی مثل پیمان پاریس یا سازمان تجارت جهانی خارج می‌شود، چرا چین باید در دریای چین جنوبی به قوانین پایبند بماند؟ چرا روسیه باید از اوکراین دست بکشد؟ یا چرا کشورهای اروپایی باید به ناتو متعهد بمانند؟ این خلأ، که با عقب‌نشینی آمریکا ایجاد شده، فضا را برای قدرت‌های دیگر باز کرده تا به جای همکاری، به رقابت مسلحانه روی بیاورند.

با این حال، حقوق بین‌الملل در گذشته هم چنین طوفان‌هایی را پشت سر گذاشته است. پس از جنگ سرد، وقتی شوروی فروپاشید، جمهوری‌های بالتیک با تکیه بر اصول حقوقی استقلال خود را بازیافتند. حتی در اوج تنش‌های جهانی، نهادهایی مثل سازمان ملل توانسته‌اند با انعطاف‌پذیری خود را احیا کنند.

اما این بار، چالش بزرگ‌تر است. بدون حمایت آمریکا، ستون اصلی این نظم، آیا چندجانبه‌گرایی می‌تواند دوام بیاورد؟ پاسخ به تلاش دولت‌های دیگر، نهادهای حقوقی و جامعه مدنی بستگی دارد.

اروپا، که پس از مشاجره کاخ سفید به سرعت از زلنسکی حمایت کرد، شاید بتواند نقشی کلیدی ایفا کند اما آیا این کافی است؟

نتیجه‌گیری: نبردی برای بقای نظم جهانی

آنچه در کاخ سفید بین ترامپ، زلنسکی و ونس گذشت، فقط یک دعوی دیپلماتیک نبود؛ بلکه نمایشی بود از آینده‌ای که ممکن است در انتظار جهان باشد. این بازگشت ترامپ، امپراطوری کلاسیک را بازمی‌گرداند، اما تلاشی است برای بازنویسی قواعد بازی جهانی بر اساس قدرت، نه حقوق. آمریکا، که روزی معمار نظم بین‌المللی بود، حالا به چالشی علیه آن تبدیل شده است.

اما تاریخ نشان داده که حقوق بین‌الملل می‌تواند از بحران‌ها جان سالم به در ببرد به شرطی که حامیانش تسلیم نشوند.

برای حفظ این نظم، دولت‌های قانون‌مدار باید متحد شوند، نهادهای بین‌المللی باید اصلاح شوند و جامعه مدنی باید صدای خود را بلند کند. ابزارهای حقوقی، ائتلاف‌های دیپلماتیک و فشار عمومی می‌توانند سدی در برابر یکجانبه‌گرایی باشند.

آینده حقوق بین‌الملل به این بستگی دارد که ما جهان آزاد چقدر حاضر به جنگیدن برای آن هستیم. آیا در برابر طوفان ترامپ ایستادگی می‌کنیم، یا نظم جهانی را به دست فراموشی می‌سپاریم؟ پاسخ این پرسش، نه در کاخ سفید، بلکه در کنش جمعی ما شکل خواهد گرفت. ♦

زلنسکی، که در سه سال جنگ با روسیه بارها شجاعتش را به جهان نشان داده بود، کوتاه نیامد: «من برای بازی نیامده‌ام. برای صلح و دفاع از مردمم آمده‌ام.»

شما نمی‌توانید مرا دعوت کنید و بعد تحقیرم کنید.» زلنسکی خطاب به ترامپ گفت: «شما اقیانوس خوبی دارید که از جنگ دور نگه‌تان داشته، ولی روزی این را احساس خواهید کرد.» این تبادل کلمات، که بیشتر به یک مشاجره خیابانی شبیه بود تا گفت‌وگوی دیپلماتیک، به سرعت از کنترل خارج شد.

ترامپ دوباره پرید وسط: «داری با زندگی میلیون‌ها نفر قمار می‌کنی یا صلح را انتخاب می‌کنی، یا ما دیگر دخالت نمی‌کنیم. بدون ما، کارت تمام است.» زلنسکی، با صدایی که از خشم می‌لرزید، گفت: «صلح بدون تضمین امنیتی، یعنی تسلیم به پوتین. من این را نمی‌پذیرم.»

نتیجه؟ نه توافقی امضا شد، نه کنفرانس خبری برگزار شد. زلنسکی، با چهره‌ای که خستگی و ناامیدی در آن موج می‌زد، کاخ سفید را ترک کرد. ساعتی بعد، ترامپ در تروث سوشال نوشت: «زلنسکی برای صلح آماده نیست. او به آمریکا در دفتر بیضی بی‌احترامی کرد وقتی آماده صلح شد، می‌تواند برگردد.» این پست، مثل بنزینی بود که روی آتش روابط آمریکا و اوکراین ریخته شد. اما این فقط یک دعوی دوطرفه نبود؛ بلکه پیامی بود به همه جهان: در نظم جدید ترامپ، یا با ما هستی، یا علیه ما.

رد حقوق بین‌الملل؛ وقتی زور جای قانون را

می‌گیرد

این مشاجره فقط یک لحظه احساسی نبود؛ بلکه بازتابی بود از رویکردی که دولت جدید آمریکا به حقوق بین‌الملل دارد. ترامپ و ونس، چه در حرف و چه در عمل، نشان داده‌اند که اصول بنیادین منشور سازمان ملل مثل ممنوعیت استفاده از زور علیه تمامیت ارضی کشورها یا احترام به حاکمیت ملی برای آنها اهمیتی ندارد.

در دیدار با زلنسکی، وقتی او از لزوم تضمین‌های امنیتی حرف زد، ترامپ عملاً گفت که صلح به هر قیمتی، حتی تسلیم اوکراین به روسیه، بهتر از ادامه حمایت آمریکا است. این دیدگاه، در تضاد آشکار با ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل است که هرگونه تهدید یا استفاده از زور را ممنوع کرده و الحاق سرزمینی را نقض قواعد آمره (jus cogens) می‌داند.

اما این فقط به اوکراین محدود نمی‌شود. مواضع دولت ترامپ درباره فلسطین و غزه، گرینلند، یا حتی کانال پاناما نشان می‌دهد که او به دنبال بازتعریف نظم جهانی بر اساس قدرت سخت است، نه قانون.

وقتی زلنسکی گفت: «صلح بدون تضمین، یعنی پیروزی پوتین»، پاسخ ترامپ این بود: «تو باید با واقعیت کنار بیایی.» این «واقعیت»، چیزی نیست جز مشروعیت دادن به زور به‌عنوان ابزار اصلی سیاست خارجی. دیوان بین‌المللی دادگستری بارها بر لزوم حفظ نظم حقوقی تأکید کرده، اما وقتی بزرگ‌ترین